

ایلیاه — نمبر تین

بگذار دانسته شود

Jeff Pippenger

2023-09-29

و در وقت تقدیم قربانی شامگاهی واقع شد که ایلیا نبی نزدیک آمد و گفت: «ای یهوه، خدای ابراهیم و اسحاق و اسرائیل، امروز معلوم شود که تو در اسرائیل خدا هستی، و من بنده توام، و همه این کارها را به فرمان تو انجام داده‌ام.» اول پادشاهان ۳۶:۱۸

ما در حال شناسایی ویژگی‌های ایلیا به عنوان یک نماد بوده‌ایم. یکی از آن ویژگی‌ها این است که خدمت و پیام ایلیا، یحیی تعمیددهنده و ویلیام میلر، ابزارهای داوری بودند. پیام آنان از سوی خداوند برای آزمودن تاریخ‌های مربوط به هر یک به کار گرفته شد. عیسی گفت که اگر او نیامده بود، آن یهودیان خرده‌گیر گناهی نمی‌داشتند.

اگر من نمی‌آمدم و با ایشان سخن نمی‌گفتم، گناهی بر ایشان نبود؛ اما اکنون برای گناه خود هیچ عذری ندارند. یوحنا ۱۵:۲۲.

حزقی ایل برای یهودیان جدل‌گر روزگار خویش نیز همین اصل را بیان می‌کند.

زیرا ایشان فرزندی گستاخ و سخت‌دل هستند. تو را نزد آنان می‌فرستم، و به ایشان خواهی گفت: خداوند یهوه چنین می‌فرماید. و ایشان، خواه بشنوند و خواه امتناع ورزند، (زیرا ایشان خاندان عاصی‌اند)، خواهند دانست که نبی‌ای در میان آنان بوده است. حزقیال ۲:۴، ۵

نمادگرایی الیاس نقش او را به عنوان ابزاری برای داوری نیز در بر می‌گیرد.

«کسانی که در اعلام پیام فرشته سوم مشغول‌اند، کتب مقدس را بر همان طرحی جست‌وجو می‌کنند که پدر میلر اختیار کرده بود. پدر میلر در کتاب کوچک موسوم به Views of the Prophecies and Prophetic Chronology قواعد ساده، خردمندانه، و مهم زیر را برای مطالعه کتاب مقدس و تفسیر آن ارائه می‌کند:»

«۱. هر واژه باید نسبت درست و شایسته خود را با موضوعی که در کتاب مقدس عرضه شده است، داشته باشد؛ ۲. تمام کتب مقدس ضروری است و با کاربرد و مطالعه کوشا می‌توان آن را فهمید؛ ۳. هیچ آنچه در کتب مقدس مکتوف شده است، از کسانی که با ایمان و بی‌تردید درخواست می‌کنند، پنهان نبوده و نخواهد بود؛ ۴. برای فهم آموزه، همه آیات مربوط به موضوعی را که مایلید بدانید گرد آورید، سپس بگذارید هر واژه تأثیر شایسته خود را داشته باشد؛ و اگر بتوانید نظریه خود را بدون تناقض صورت‌بندی کنید، نمی‌توانید در خطا باشید؛ ۵. کتب مقدس باید خود مفسر خویش باشد، زیرا خود معیار خویش است. اگر برای تفسیر آن به معلمی متکی باشیم، و او در معنای آن گمانه‌زنی کند، یا به سبب اعتقادنامه فرقه‌ای خود بخواهد آن را چنان بداند، یا بخواهد حکیم شمرده شود، آنگاه گمانه‌زنی او، میل او، اعتقادنامه او، یا حکمت او معیار من خواهد بود، نه کتاب مقدس.»

«آنچه در بالا آمد بخشی از این قواعد است؛ و ما همه در مطالعه کتاب مقدس نیکو خواهیم کرد اگر به اصول مطرح‌شده توجه کنیم.»

«ایمان حقیقی بر کتب مقدس بنا شده است؛ اما شیطان از حيله‌های بسیار بهره می‌گیرد تا کتب مقدس را تحریف کند و خطا را وارد سازد؛ ازاین‌رو، اگر کسی بخواهد بداند که آن‌ها واقعاً چه

تعلیم می‌دهند، به نهایتِ دقت نیاز است. یکی از فریب‌های بزرگ این زمان آن است که آدمیان بسیار بر احساسات درنگ می‌کنند و در همان حال، با نادیده گرفتن تصریحات روشن کلام خدا، دعوی صداقت می‌نمایند، زیرا آن کلام با احساسات ایشان مطابق نیست. بسیاری برای ایمان خود هیچ بنیادی جز عاطفه ندارند. دیانت ایشان در هیجان خلاصه می‌شود؛ و چون آن هیجان فرو نشیند، ایمان ایشان نیز از میان می‌رود. احساس ممکن است کاه باشد، اما کلام خدا گندم است. و نبی می‌گوید: «کاه را با گندم چه کار است؟»

«هیچ‌کس به سبب آن‌که به نوری و معرفتی که هرگز نداشته و نتوانسته است به دست آورد، اعتنا نکرده باشد، محکوم نخواهد شد. اما بسیاری از اطاعت حقیقتی که به وسیله سفیران مسیح به ایشان عرضه می‌شود سر باز می‌زنند، زیرا می‌خواهند خود را با معیار جهان هم‌نوا سازند؛ و آن حقیقتی که به فهم ایشان رسیده، آن نوری که در جان تابیده است، در داوری ایشان را محکوم خواهد کرد. در این ایام آخر، ما از نور انباشته‌ای برخورداریم که در سراسر اعصار درخشان بوده است، و متناسب با آن مسئول شناخته خواهیم شد. راه قدوسیت هم‌سطح با جهان نیست؛ بلکه راهی افراشته است. اگر در این راه گام برداریم، اگر در طریق اوامر خداوند بدویم، خواهیم یافت که «راه عادلان همچون نور تابان است که تا روز کامل، بیشتر و بیشتر می‌درخشد.» Review and Herald, November 25, 1884

ما «محکوم علینا لأننا لم نصغ إلى نور ومعرفه» «لم تکن لدینا قط، و» «لم یکن فی وسعنا الحصول علیها». والجانب المهم فی هذه العبارة هو التعبير: «لم یکن فی وسعنا الحصول علیها». یمثل ایلیا ویوحنا ومیلر نوراً لأجیالهم المعنیة، نوراً کان بالإمكان بلوغه. إن وجود رسالتهم قد نزع ستار ما یسمی قانونیاً فی الولايات المتحدة «الإنکار المعقول». ورسالة ایلیا، فی آی جیل تظہر فیہ، ترفع کل «إنکار معقول»، وبذلك تجعل الجیل بأسره مسؤولاً عن النور الذی یقدم حینئذ.

برادرم در زمانی گفته بود که نمی‌خواهد هیچ چیز درباره تعلیمی که ما بدان پایبندیم بشنود، مبدا متقاعد شود. او به جلسات نمی‌آمد و به مواعظ گوش نمی‌داد؛ اما بعداً اعلام کرد که دریافته است به همان اندازه مقصر است که گویی آنها را شنیده بود. خدا به او فرصتی داده بود تا حقیقت را بشناسد، و او را نسبت به این فرصت مسئول خواهد دانست. در میان ما بسیاری هستند که نسبت به تعالیمی که اکنون مورد بحث قرار می‌گیرند، تعصب دارند. آنان برای شنیدن نمی‌آیند، با آرامش تحقیق نمی‌کنند، بلکه اعتراض‌های خود را در تاریکی مطرح می‌سازند. ایشان کاملاً از موضع خود خشنودند. «می‌گویی دولتمند و ثروت اندوخته‌ام و به چیزی محتاج نیستم، و نمی‌دانی که تو شوربخت و اسفبار و فقیر و کور و عریانی. تو را اندرز می‌دهم که از من طلای آزموده‌شده در آتش بخری تا دولتمند شوی؛ و جامه سفید تا پوشیده گردی و رسوایی عریانی‌ات آشکار نشود؛ و سرمه برای چشمانت تا چشمانت را تدهین کنی و بینا شوی. هر که را دوست می‌دارم، توبیخ و تأدیب می‌کنم. پس غیور باش و توبه کن» (مکاشفه ۱۷:۳-۱۹).

«این آیه بر کسانی اطلاق می‌شود که در زیر طنین این پیام زندگی می‌کنند، اما نمی‌خواهند ببینند و آن را بشنوند. از کجا می‌دانید که شاید خداوند شواهد تازه‌ای از حقیقت خود عطا می‌کند و آن را در چارچوبی نو قرار می‌دهد تا راه خداوند مهیا گردد؟ شما چه طرح‌هایی ریخته‌اید تا نور جدید در میان صفوف قوم خدا نفوذ یابد؟ چه دلیلی دارید که خدا به فرزندان خود نور نفرستاده است؟ هر گونه خودبسندگی، خودمحوری و غرور رأی باید کنار گذاشته شود. ما باید به پای عیسی بیاییم و از او بیاموزیم، که حلیم و افتاده‌دل است. عیسی شاگردان خود را چنان که ربی‌ها شاگردان خویش را تعلیم می‌دادند، تعلیم نداد. بسیاری از یهودیان آمدند و گوش سپردند، آنگاه که مسیح اسرار نجات را آشکار می‌ساخت، اما برای آموختن نیامدند؛ آنان آمدند تا انتقاد کنند، تا او را در نوعی ناسازگاری گرفتار سازند، تا چیزی در دست داشته باشند که با آن مردم را متعصب سازند. آنان به دانش خود قانع بودند، اما فرزندان خدا باید آواز شبان حقیقی را بشناسند. آیا اکنون زمانی نیست که بسیار

شایسته باشد در حضور خدا روزہ بگیریم و دعا کنیم؟ ما در خطر اختلاف هستیم، در خطر آن هستیم کہ در باب مسئلہای مورد مناقشہ جانب گیری کنیم؛ و آیا نباید با حدیث، با فروتنی جان، خدا را بطلبیم تا بدانیم حقیقت چیست؟» Selected Messages, book 1, 413.

کسانی کہ پیام ایلیا را نمایندگی می کنند، ابزارهای داوری در فرایند تطہیری هستند کہ راہ را برای رسول عہد مہیا می سازد تا ہیکل را پاک سازد. در بہ انجام رساندن کار تطہیر ہیکل، نور حقیقت حاضر آشکار می گردد. اگر قرار نبود این نور آشکار شود، آنان کہ مسیح در پی تطہیر ایشان بودہ و هست، ردای لاودیکیہای خود فریبی خویش را حفظ می کردند. ایلیا نماد خدمتی است کہ حقیقت را بہ عنوان ابزاری برای داوری ارائه می کند. از ہمین رو بہ ما آگاہی دادہ شدہ است کہ آنان کہ پیام یحیی تعمید دہندہ را رد کردند، نتوانستند از تعلیم عیسی بہرہ مند شوند.

«مرا بہ اعلام نخستین آمدن مسیح بازگردانیدند. یوحنا در روح و قوت ایلیا فرستادہ شد تا راہ عیسی را مہیا سازد. آنان کہ شہادت یوحنا را رد کردند، از تعلیم عیسی بہرہ مند نشدند.» Early Writings, 258

در تاریخ های نبوی کہ تطہیر قوم خدا را بہ گونه ای نمادین می نمایند، پیام حقیقت حاضر مکشوف می گردد؛ پیامی کہ این نسل را در برابر این انتخاب مسئول می سازد کہ یا تاریکی را برگزیند یا نور را.

لیکن تو اے دانی ایل، ان باتوں کو بند رکھ اور کتاب پر مہر لگا دے، وقت آخر تک؛ بہت سے ادھر ادھر دوڑیں گے، اور علم بڑھ جائے گا۔۔۔ اور اُس نے کہا، اے دانی ایل، اپنے راستہ پر جا؛ کیونکہ یہ باتیں وقت آخر تک بند اور مہر شدہ ہیں۔ بہت سے پاک کیے جائیں گے، اور سفید بنائے جائیں گے، اور آزمائے جائیں گے؛ لیکن شریر شرارت ہی کرتے رہیں گے؛ اور شریروں میں سے کوئی نہ سمجھے گا؛ لیکن دانا سمجھیں گے۔ دانی ایل 12:4، 9، 10.

کسانی کہ پیام ایلیا را برای نسل های خویش نمایندگی می کنند، از سوی مسیح بہ عنوان سفیران او شناختہ می شوند تا از ایشان بہ مثابہ ابزارهای داوری استفادہ شود. این همان چیزی است کہ ایلیا بدان اشارہ می کرد آنگاہ کہ گفت: «امروز معلوم شود کہ تو در اسرائیل خدا هستی، و من بندہ تو هستم، و ہمہ این کارها را بہ فرمان تو کردہ ام.»

این حقیقت نیز از سوی عیسی دربارہ یحیی تعمید دہندہ بیان شدہ است.

اور جب وہ روانہ ہو گئے تو یسوع نے یوحنا کے بارے میں ہجوم سے کہنا شروع کیا، تم بیابان میں کیا دیکھنے نکلے تھے؟ کیا ہوا سے ہلتا ہوا ایک سرکنڈا؟ لیکن تم کیا دیکھنے نکلے تھے؟ کیا نرم پوشاک پہنے ہوئے ایک آدمی کو؟ دیکھو، جو نرم لباس پہنتے ہیں وہ بادشاہوں کے محلوں میں ہوتے ہیں۔ لیکن تم کیا دیکھنے نکلے تھے؟ کیا ایک نبی کو؟ ہاں، میں تم سے کہتا ہوں، بلکہ نبی سے بھی بڑھ کر۔ کیونکہ یہ وہی ہے جس کے بارے میں لکھا گیا ہے، دیکھ، میں اپنا قاصد تیرے آگے بھیجتا ہوں، جو تیرے سامنے تیری راہ تیار کرے گا۔ متی 11:7-10.

یوحنا بیش از یک نبی بود؛ او ابزاری برای داوری بود، و خدمت او برای نسل خویش شناختہ شد، زیرا آنان برای دیدن او بہ بیابان بیرون رفتہ بودند، همان گونه کہ یقیناً تمامی اسرائیل بہ فرمان اخاب بہ کرمل آمدند. ویلیام میلر افزایش دانشی را کہ در سال 1798 گشودہ شد، درک کرد. او نمایندہ کسانی بود کہ با افزایش دانش، در کلام خدا بہ این سو و آن سو می دویدند. پیام او بر زمان نبوی مبتنی بود و در سال 1840 پیام و خدمت او بہ گونه ای در برابر نسلش قرار گرفت کہ تمامی جہان پروتستان نظارہ گر شد تا ببیند آیا روش او کارگر می افتد یا نہ. ہنگامی کہ این امر تأیید شد، پیام او بہ سراسر جہان بردہ شد.

«در سال ۱۸۴۰، تحقق شگفت‌انگیز دیگری از نبوت، توجہی گسترده را برانگیخت. دو سال پیش از آن، یوشیا لیچ، یکی از برجستہ‌ترین خادمان موعظہ‌کنندہ ظہور ثانی، تفسیری بر مکاشفہ ۹ منتشر کرد و سقوط امپراتوری عثمانی را پیشگویی نمود. بنابر محاسبات او، این قدرت می‌بایست... «در یازدہم اوت ۱۸۴۰ سرنگون شود، هنگامی کہ می‌توان انتظار داشت قدرت عثمانی در قسطنطنیہ درہم شکستہ گردد. و من بر این باورم کہ چنین نیز خواہد شد.»»

«در همان زمانی کہ تعیین شدہ بود، ترکیہ، بہ واسطۂ سفیران خود، حمایت قدرت‌های متحد اروپا را پذیرفت، و بدین سان خود را زیر سلطۂ ملت‌های مسیحی قرار داد. این واقعہ، پیشگویی را دقیقاً بہ انجام رسانید. هنگامی کہ این امر معلوم شد، انبوهی از مردم بہ درستی اصول تفسیر نبوت کہ میلر و همکارانش پذیرفتہ بودند، متقاعد شدند، و شتابی شگفت‌انگیز بہ جنبش ظہور دادہ شد. مردان صاحب دانش و منزلت، ہم در موعظہ و ہم در نشر دیدگاہ‌های او، با میلر متحد شدند، و از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ این کار بہ سرعت گسترش یافت.» The Great Controversy, 334, 335.

از «۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴» تاریخ «ہفت رعد» در مکاشفہ فصل دہم را نمایندگی می‌کند. در آن تاریخ، فرایند تطہیری کہ در ملاکی فصل سہ و نیز در دو بار تطہیر ہیکل بہ وسیلۂ مسیح بہ تصویر کشیدہ شدہ بود، آغاز گردید. فرایند تطہیر، فرایندی تدریجی از آزمون بود کہ بر اساس فہم میلر از اصل «یک روز بہ جای یک سال» استوار بود. کسانی کہ پیام ایلیا را نمایندگی می‌کنند، راہ را برای آن رسول عہد مہیا می‌سازند تا ناگہان بہ ہیکل خود بیاید، و آنان نمادِ ابزاری از داوری ہستند کہ رسول عہد آن را بہ کار می‌گیرد تا کسانی را کہ ظلمت را بہ جای نور برمی‌گزینند، بیرون براند.

میں تو تمہیں توبہ کے لیے پانی سے بپتسمہ دیتا ہوں؛ لیکن جو میرے بعد آنے والے وہ مجھ سے زیادہ زور آورے، میں اس کے چوتے اٹھانے کے بھی لائق نہیں۔ وہ تمہیں روح القدس اور آگ سے بپتسمہ دے گا۔ اُس کا چہاچ اُس کے ہاتھ میں ہے، اور وہ اپنے کھلیان کو خوب صاف کرے گا، اور اپنے گیہوں کو کوٹھری میں جمع کرے گا؛ لیکن بھوسی کو وہ ایسی آگ سے جلائے گا جو کبھی نہ بجھ گی۔ متی ۱۱:۳، ۱۲.

در روزگار مسیح، آن گونه کہ در یوحنا ۶:۶۶ بازنمایی شدہ است، او بیش از ہر زمان دیگری شاگردان خود را از دست داد. در کتاب آرزوی اعصار، در آنجا کہ این فراز از یوحنا مورد بررسی قرار گرفتہ است، شیوہ کاربرد نبوی دقیقاً همان علتی بود کہ شاگردان را واداشت تا او را ترک کنند. آنان نمی‌توانستند درک کنند کہ امر تحت‌اللفظی نمایانگر امر روحانی است، و بنا بر گفتہ رسول پولس، امر تحت‌اللفظی پیش از امر روحانی می‌آید.

لہذا یوں لکھا ہے: پہلا آدم زندہ جان بنا؛ آخری آدم زندہ کرنے والی روح بنا۔ لیکن پہلا وہ نہیں جو روحانی ہے، بلکہ وہ جو طبعی ہے؛ اور اُس کے بعد وہ جو روحانی ہے۔ 1 Corinthians 15:45, 46.

یہودیان، چون ارادہ‌ای نداشتند و از این رو ناتوان بودند، از درک مسیح سر باز زدند، آنگاہ کہ او آشکار ساخت کہ همان نان آسمان است کہ باید خوردہ شود. آداب و رسوم و سنت‌ها بر روشی کہ خود مسیح بہ کار می‌برد چیرہ گشت. خواہر وایت دربارۂ این تاریخ چنین نگاشتہ است:

«بہ واسطۂ سرزنش علنی بی‌ایمانی ایشان، این شاگردان باز ہم بیش از پیش از عیسی دور شدند. ایشان سخت ناخشنود گشتند، و چون می‌خواستند منجی را بیازارند و بدخواہی فریسیان را خشنود سازند، بہ او پشت کردند و با تحقیر از نزد او رفتند. آنان انتخاب خود را کردہ بودند؛ صورت را بدون روح، و پوست را بدون مغز برگزیدہ بودند. تصمیم ایشان دیگر ہرگز بازگردانہ نشد؛ زیرا دیگر با عیسی راہ نرفتند.»

«او کہ بادبزن خود را در دست دارد، خرمناگاہ خویش را بہ کلی پاک خواہد ساخت و گندم خود را در انبار گرد خواہد آورد.» متی ۱۲:۳. این یکی از زمان‌های پالایش بود. بہ وسیلۂ کلمات حقیقت،

گاه از گندم جدا می‌شد. زیرا بسیاری بیش از آن مغرور و خودعادل‌انگار بودند که توبیخ را بپذیرند، و بیش از آن دنیادوست بودند که زندگی فروتنانه‌ای را قبول کنند، از عیسی روی برگردانند. بسیاری هنوز نیز همین کار را می‌کنند. امروزه جان‌ها آزموده می‌شوند، همان‌گونه که آن شاگردان در کنیسه کفرناحوم آزموده شدند. هنگامی که حقیقت به دل رسانده می‌شود، می‌بینند که زندگی ایشان با اراده خدا مطابقت ندارد. نیاز به تغییری کامل در خود می‌بینند؛ اما حاضر نیستند آن کار انکار نفس را بر عهده گیرند. از این رو، وقتی گناهانشان آشکار می‌شود، خشمگین می‌شوند. آزردہ‌خاطر روی برمی‌گردانند، همان‌گونه که شاگردان عیسی را ترک کردند و زمزمه‌کنان گفتند: «این سخن دشوار است؛ که می‌تواند آن را بشنود؟» اشتیاق اعصار، ۳۹۲.

این فرستاده عهد ملاکی است که پسران لاوی را با آتش تطهیر می‌کند. او خرم‌گاه خود را به کمال پاک می‌سازد و گندم را از گاه جدا می‌کند. این کار را با غربال انجام می‌دهد. غربال همان چیزی است که جداسازی را به انجام می‌رساند، و غربال همان پیام حقیقت حاضر برای هر تاریخ مربوطه است که در آن، او پسران لاوی را تطهیر می‌کند. غربال، پیام و پیام‌آوران ایلیا است که نمایانگر ابزاری برای داوری هستند.

نگاه کنید، من رسول خود را خواهم فرستاد، و او راه را پیش روی من مهیا خواهد ساخت؛ و آن خداوندی که شما طالب او هستید، ناگهان به هیکل خود خواهد آمد، یعنی آن رسول عهد که شما از او مسرورید؛ اینک او خواهد آمد، یهوه صباوت می‌گوید. اما کیست که روز آمدن او را تاب آورد؟ و کیست که هنگامی که ظاهر شود، برپا بایستد؟ زیرا او مانند آتش زرگر و مانند صابون رخت‌شویان است؛ و او چون مصفی‌کننده و پاک‌کننده نقره خواهد نشست؛ و پسران لاوی را طاهر خواهد ساخت و ایشان را چون طلا و نقره پاک خواهد نمود، تا هدیه‌ای به عدالت برای خداوند بگذارند. آنگاه هدیه یهودا و اورشلیم نزد خداوند مقبول خواهد افتاد، چنان‌که در ایام قدیم و در سال‌های پیشین. ملاکی ۱:۳-۴

وہ جو یوحنا بپتسمہ دینے والے کے بعد آتے، وہی ہے جو اپنے کھلیان کو پنکھ سے صاف کرتا ہے، اور صرف کی آگ کی مانند ہے۔ تطہیر کا عمل عہد کے فرشتہ کے وسیلہ سے انجام پاتا ہے، اور اس لیے یہ ایک ایسی تاریخ کی نشان دہی کرتا ہے جس میں خداوند ایک نئی برگزیدہ عہدی قوم کے ساتھ عہد میں داخل ہو رہا ہے۔ جب قدیم اسرائیل کو مصر کی غلامی سے رہائی دی گئی، تو اس مقدس تاریخ کا ایک موضوع "پہلوٹھ" کا مسئلہ تھا—خواہ وہ مصر کے پہلوٹھوں کی موت ہو، یا خدا کی طرف سے اسرائیل کی اپنے پہلوٹھ کے طور پر شناخت۔

و به فرعون خواهی گفت: خداوند چنین می‌فرماید: اسرائیل پسر من است، یعنی نخست‌زاده من. و به تو می‌گویم: پسر مرا رها کن تا مرا عبادت نماید؛ و اگر از رها کردن او امتناع ورزی، اینک من پسر تو، یعنی نخست‌زاده‌ات را خواهم کشت. خروج ۴:۲۲، ۲۳.

جڏهن خدا مصر مان چوٽ ڪاري جي موقعي تي اسرائيل سان عهد ۾ داخل ٿيو، تڏهن الهي منصوبي موجب هر هڪ قبيلي جي هر پهرئين ڄاول پٽ کي ڪاهنائپ جي خدمت لاءِ مخصوص ڪيو وڃڻو هو. پر سونهري وچڙي جي بغاوت جي وقت، رڳو لاوي جو قبيلو ئي موسيٰ جي پاسي تي بيٺو. انهن جي وفاداري جي ڪري، خدا پنهنجي انهيءَ منصوبي کي منسوخ ڪيو ته هر قبيلي مان هر پهريون ڄاول ڪاهنائپ لاءِ وقف ڪيو وڃي، ۽ هن ٻين قبيلن کي پاسيرو ڪري لاوي جي قبيلي کي ڪاهنائپ جو خاص ۽ يگانو حق عطا ڪيو. جڏهن عهد جو قاصد لاوي جي پٽن کي پاڪ ڪري ٿو، تڏهن اهو اهڙي تاريخ جي نمائندگي ڪري ٿو جنهن ۾ اڳوڻي عهد وارا ماڻهو هڪ نون عهد وارن ماڻهن لاءِ هڪ پاسي رکيا پيا وڃن. اهو معاملو يحيى بپتسما ڏيندڙ، ميلرائٽن سان هو، ۽ هڪ لک چواليهه هزارن سان ٿيندو. 1840ع کان 1844ع تائين، وليئم ميلر کي ڏنل نبوي پيغام جي آزمائشي مسئلي جي ذريعي تطهیر جو هڪ عمل شروع ڪيو ويو. اهو 22 آڪٽوبر 1844ع تي خداوند جي

اوچتو پنهنجي هيكل ۾ اچڻ ڏانهن وٺي ويو، پر تطهير جو عمل 1863ع تائين ختم نه ٿيو.

»هم نبوت دانيال ۸:۱۴، "تا دو هزار و سيصد روز؛ آنگاه مقدس تطهير خواهد شد،" و هم پيام فرشته اول، "از خدا بترسيد و او را جلال دهيد، زيرا ساعت داوري او فرا رسیده است،" به خدمت مسيح در قدس الاقداس و به داوري تحقيقي اشاره داشتند، نه به آمدن مسيح براي رستگاري قوم خويش و هلاکت شريران. خطا نه در محاسبه ادوار نبوي، بلکه در آن واقعه‌اي بود که مي‌بايست در پايان ۲۳۰۰ روز رخ دهد. مؤمنان بر اثر اين خطا دچار ياس و سرخوردگي شده بودند؛ با اين حال، همه آنچه نبوت پيشگويي کرده بود، و همه آنچه آنان بر پايه کلام مقدس مجاز بودند انتظار داشته باشند، به انجام رسيده بود. درست در همان زماني که ايشان بر برآورده نشدن اميدهاي خود سوگواري مي‌کردند، آن واقعه‌اي که در پيام پيشگويي شده بود و که مي‌بايست پيش از آنکه خداوند ظاهر شود تا به بندگان خود پاداش دهد تحقق يابد، به وقوع پيوسته بود.»

»مسيح آمده بود، نه به زمين، چنان‌که آنان انتظار داشتند، بلکه، همان‌گونه که در نمونه از پيش نمودار شده بود، به قدس الاقداس هيكل خدا در آسمان. نبي دانيال او را چنين تصوير مي‌کند که در اين زمان نزد قديم‌الايام مي‌آيد: «در رؤياهاي شب نگريستم، و اينک کسي مانند پسر انسان با ابرهاي آسمان مي‌آمد، و آمد» — نه به زمين، بلکه — «نزد قديم‌الايام، و او را به حضور وي آوردند.» دانيال ۷:۱۳

يه آمد نبي ملاکي نه بهي پيشين گوئي کي ے: "خداوند، جسے تم ڈھونڈتے ہو، يکايک اپنی پيکل ميں آئے گا، يعني عهد کا وہ فرشته جس سے تم خوش ہو؛ ديکھو، وہ آئے گا، رب الافواج فرماتا ے۔" ملاکي 3:1. خداوند کا اپنی پيکل ميں آنا اُس کي قوم کے لیے اچانک اور غير متوقع تھا۔ وہ وہاں اُس کے منتظر نہ تھے۔ وہ توقع رکھتے تھے کہ وہ زمين پر آئے گا، "بھڑکتی ہوئی آگ ميں اُن سے انتقام ليتا ہوا جو خدا کو نہیں جانتے اور ہمارے خداوند يسوع کي خوشخبري کو نہیں مانتے۔" 2 تھسلنيکيون 1:8.

»اما قوم هنوز آمادہ ملاقات با خداوند خويش نبودند. هنوز کاري از آمادگي براي ايشان باقي مانده بود که بايد انجام مي‌گرفت. مي‌بايست نوري عطا شود تا افکار ايشان را به سوي هيكل خدا در آسمان هدايت کند؛ و چون به ايمان، کاهن اعظم خود را در خدمت او در آنجا پيروي مي‌کردند، وظيف تازهاي بر ايشان آشکار مي‌شد. پيام ديگري از هشدار و تعليم نيز بايد به کليسا داده مي‌شد.»

نبي مي‌گويد: «کيست که روز آمدن او را تاب آورد؟ و چون ظاهر شود، کيست که برجا بايستد؟ زيرا او همچون آتش پالائنده و مانند صابون گازران است؛ و چون پالائنده و تصفيه کننده نقره خواهد نشست؛ و پسران لاوي را طاهر خواهد ساخت و ايشان را چون طلا و نقره تصفيه خواهد کرد، تا هدپه‌اي به عدالت براي خداوند بگذرانند.» ملاکي ۳:۲، ۳. آنان که هنگامي که شفاعت مسيح در قدس آسماني پايان پذيرد، بر زمين زنده خواهند بود، بايد در حضور خدای قدوس بي‌ميانجي بايستند. جامه‌هاي ايشان بايد بي‌لکه باشد، و سيرت ايشان بايد به خون پاشيده شدن از گناه پاک گردد. به وسيله فيض خدا و کوشش جدی خودشان، بايد در نبرد با شر غالب آيند. در حالي که داوري تحقيقي در آسمان در جريان است، و گناهان ايمانداران توبه‌کار از قدس برداشته مي‌شود، بايد در ميان قوم خدا بر زمين، کاري ويژه از تطهير، يعني دور کردن گناه، انجام پذيرد. اين کار در پيام‌هاي مکاشفه ۱۴ روشن‌تر عرضه شده است.

»هنگامي که اين کار به انجام رسيده باشد، پيروان مسيح براي ظهور او آماده خواهند بود. «آنگاه هديه يهودا و اورشليم نزد خداوند پسندیده خواهد بود، چنان‌که در ايام قديم و در سال‌هاي پيشين بود.» ملاکي ۳:۴. آنگاه کليسا يي که خداوند ما در هنگام آمدنش آن را نزد خود خواهد پذيرفت، «کليسا يي جلال‌مند» خواهد بود که «لکه‌اي يا چروکي يا چيزي از اين‌گونه» نداشته باشد. افسسيان

۵:۲۷. آنگاه او «چون صبحگاهان جلوه گر، همچون ماه زیبا، مانند آفتاب پاک، و مهیب چون سپاهیان صاحب علم» خواهد نمود. «غزل غزل‌ها ۶:۱۰»

«مالکی کے نزدیک خداوند کی اپنے پیکل میں آمد کے علاوہ، وہ اُس کی دوسری آمد، یعنی عدالت کے اجرا کے لیے اُس کے آنے کی بھی پیشین گوئی کرتا ہے، اِن الفاظ میں: "اور میں عدالت کے لیے تمہارے نزدیک آؤں گا؛ اور جادوگروں، اور زانیوں، اور جھوٹی قسم کھانے والوں کے خلاف، اور اُن کے خلاف جو مزدور کی مزدوری میں اُس پر ظلم کرتے ہیں، اور بیوہ اور یتیم پر، اور پردیسی کو اُس کے حق سے محروم کرتے ہیں، اور مجھ سے نہیں ڈرتے، رب الافواج فرماتا ہے۔" ملاکی ۳:۵۔ یہوداہ اُسی منظر کی طرف اشارہ کرتا ہے جب وہ کہتا ہے، "دیکھو، خداوند اپنے لاکھوں مقدّسوں کے ساتھ آیا تاکہ سب پر عدالت کرے، اور اُن سب کو جو اُن میں دین ہیں، اُن کے تمام دین اعمال پر قصوروار ٹھہرائے۔" یہوداہ ۱۴، ۱۵۔ یہ آمد، اور خداوند کی اپنے پیکل میں آمد، دو جداگانہ اور الگ الگ واقعات ہیں۔»

«آمدن مسیح به عنوان کاهن اعظم ما به قدس‌الاقداص، برای تطهیر مقدّس، که در دانیال ۸:۱۴ به نمایش گذارده شده است؛ و آمدن پسر انسان نزد عتیق ایام، چنان که در دانیال ۷:۱۳ ارائه شده است؛ و آمدن خداوند به هیکل خود، که ملاکی آن را پیشگویی کرده است، همگی توصیف‌های یک رویداد واحدند؛ و این نیز همان رویدادی است که با آمدن داماد به عروسی، که مسیح در مثل ده باکره در متی ۲۵ وصف کرده است، به تصویر کشیده شده است.» نزاع عظیم، ۴۲۴-۴۲۶.

در بند پایانی به چهار «آمدن» اشاره شده است، و همه آنها یک آمدن واحدند که به چهار شیوه متفاوت نمادپردازی شده است. یکی از آن «آمدن» ها مثل ده باکره است.

«اکثر اوقات مرا به مثل ده باکره ارجاع می‌دهند، که پنج تن از ایشان دانا بودند و پنج تن نادان. این مثل به دقیق‌ترین وجه آن تحقق یافته و خواهد یافت، زیرا کاربردی ویژه برای این زمان دارد و، همانند پیام فرشته سوم، تحقق یافته است و تا پایان زمان همچنان حقیقت حاضر خواهد بود.» Review and Herald, August 19, 1890.

اگر آن چهار «آمدن» «توصیف‌های یک رویداد واحد باشند»، آنگاه آن چهار «آمدن» که در آغاز ادونتیسم در جنبش میلری به انجام رسیدند، در پایان ادونتیسم در جنبش ایلینا نیز «موبه‌مو» «بار دیگر به انجام خواهند رسید».

ویلیام میلر و میلری‌ها نمایندگان پیام فرشته اول بودند، و در همان بخشی از «نوشته‌های نخستین» که اندکی پیش به آن استناد کردیم، پیام فرشته اول دقیقاً همان ویژگی‌های یحیی تعمیددهنده را دارا بود. ما آن عبارت را نقل کردیم که می‌گوید کسانی که پیام یحیی تعمیددهنده را رد کردند، نمی‌توانستند از تعالیم عیسی بهره‌مند شوند. در بند بعدی او می‌گوید: «کسانی که پیام اول را رد کردند، نمی‌توانستند از پیام دوم بهره‌مند شوند؛ و نیز از فریاد نیمه‌شب بهره‌ای نیافتند، فریادی که قرار بود آنان را آماده سازد تا به واسطه ایمان، همراه با عیسی به قدس‌الاقداص قدس آسمانی وارد شوند.» هر دو، ویلیام میلر و یحیی تعمیددهنده، نمایانگر ابزارهای داوری هستند.

اگر هیچ‌یک از آن دو ظاهر نشده بودند، نسل‌های مربوطه‌شان به سبب رد کردن نور مسئول شمرده نمی‌شدند. خدا آن دو رسول را به کار گرفت تا ردای لاودیکیه‌ای گناه را بردارد، و بدین‌سان برهنگی لاودیکیه‌ای قوم برگزیده پیشین را آشکار سازد، از طریق معرفی پیامی که خواه پذیرفته می‌شد و خواه رد می‌گردید، در داوری به عنوان نمادی به کار می‌رفت که نبی‌ای در میان ایشان بوده است. تاریخ ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ به وسیله آتشی که بر قربانی ایلینا بر کوه کرمل فرود آمد، نمونه‌وار تصویر شده بود. نبی راستین از انبیای کاذب متمایز شده بود.

22जो, चाहिए करनी प्रस्तुत रूपरेखा का प्रक्रिया-शुद्धीकरण उस हमें जहाँ है चुके पहुँच पर बढि उस हम से प्रभु अपने लोग "बाद के 1844 अक्टूबर 22 किकिहा ने व्हाइट ससिटर रही। जारी भी बाद के 1844 अक्टूबर ऐसा उन्हें था। शेष जाना किया भी अभी कार्य एक का तैयारी लिए उनके थे। नहीं तैयार अभी लिए के मलिने वे जब और; करे नर्दिशति ओर की मन्दिर के परमेश्वर में स्वर्ग को मन उनके जो था जाना दिया प्रकाश कर्तव्य नए सामने उनके तब, करेंगे अनुसरण उसका में कर्म-सेवा की महायाजक अपने वहाँ द्वारा के वशिवास "था। जाना दिया सन्देश और एक का शक्तिषा और चेतावनी को कलीसिया जाएँगे। कएि प्रकट

هنگامی که ادونتیسیم «هفت زمان» مذکور در لاویان بیستوشش را، که دانیال آن را «سوگند» موسی نامید، رد کرد، توانایی خود را برای تشخیص این حقیقت از دست داد که فرایند تطهیر فراتر از کار آغازین ایشان در فهم حقایق مرتبط با آغاز دآوری ادامه می‌یافت.

ما در مقاله بعدی به فرایند تداوم تطهیر خواهیم پرداخت، و آغاز خواهیم کرد به هم‌راستا ساختن شاخ پروتستانیسم راستین، که ادونتیسیم میلری آن را در دهه ۱۸۴۰ دریافت کرد، با شاخ جمهوری‌خواهی.